Archive of SID

رابطه توسعه اقتصادی و عدالت اقتصادی از منظر قرآن

محمد پارسائیان[۱]: پژوهشگر مرکز مطالعات میان رشته ای قرآن کریم، جهاد دانشگاهی

دوفصلنامه تخصصی پژوهش های میان رشته ای قرآن کریم
سال دوازدهم، شماره اول، بهار و تابستان ۱۴۰۰، صص ۱۲۰-۹۹
تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۹/۱۰/۰۵
تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۰/۰۲/۲۰

چکیده

الگوی توسعه اقتصادی غرب همچون مدینه فاضله قرن حاضر، توجه کشورهای کمتر توسعه‌یافته را به خود معطوف داشته، اما پیاده‌سازی آن در بسیاری از کشورها پیامدها و تعارض‌هایی چون شکاف طبقاتی، بی‌عدالتی و زوال ارزش‌ها را در پی داشته است و موجب خیزش سؤالاتی پیرامون نسبت عدالت و توسعه شده است. در این تحقیق پس از بررسی مفهوم توسعه و عدالت اقتصادی در قرآن کریم، مشخص شد که این دو مفهوم انطباق زیادی بر یکدیگر دارد و در واقع می‌توان گفت که توسعه‌یافتگی همان راهیابی به‌سوی عدالت اجتماعی است و هر دو در الگوی رفتاری خلیفه الهی به وحدت می‌رسند. عدالت و توسعه، هر دو هدف نهایی اقتصاد اسلامی و زمینه‌ساز یکدیگر هستند و بدون هم کارایی ندارند. همچنین عدالت اقتصادی در محورهای بهره‌وری از منابع و فرصت‌ها، توسعه انسانی، جریان تولید و مصرف، عرصه معاملات و بازتوزیع، افزایش امنیت و اعتماد اقتصادی و بازدهی مضاعف بر یکدیگر اثر می گذارند.

کلیدواژه: توسعه اقتصادی، عدالت، نسبت توسعه و عدالت، عدالت اقتصادی در قرآن.

۱.نویسنده مسئول: mp.iqna@gmail.com

www.SID.ir

Archive of SID

۱. مقدمه

توسعه‌یافتگی، همچون مدینه فاضله در عصر کنونی تمام تلاش‌های دولت‌ها را به خود معطوف داشته تا هر روز خود را به آن نزدیک‌تر سازند و شباهت بیشتری با جوامع توسعه‌یافته پیدا کنند. اما ناکامی بیشتر کشورهای توسعه‌یافته در دست‌یابی به توسعه و بروز پیامدهایی از قبیل شکاف‌های طبقاتی، فساد، بی‌عدالتی، زوال ارزش‌های انسانی، تعارضات فرهنگی و کاهش معنویت موجب طرح نظریات جدید و اختلافی در عرصه توسعه شد.

از جمله این تفاوت‌ها، مقوله عدالت است که نه تنها برجسته‌ترین بعد هنجاری اقتصاد و فلسفه است، بلکه موضوع محوری حقوق و اخلاق، دغدغه بزرگ سیاست و مناقشه اصلی جامعه‌شناسی است (کولم، ۱۹۹۶، ص۴). بازخوانی تاریخ توسعه در جهان نشان می‌دهد که این مفهوم تا اوایل دهه ۱۹۷۰ معادل رشد فیزیک و انباشت سرمایه بود، اما از آن زمان به بعد عوامل غیرکمی در تحلیل توسعه داخل شد و برابری و رشد در اهداف توسعه به یکدیگر ملحق شدند.

بخش عمده تحقیقات در دهه هفتاد، دربرگیرنده شرح پنج هدف اساسی شامل رشد، برابری، دموکراسی، ثبات و استقلال داخلی در توسعه بودند؛ هانتینگتون (۱۹۹۴) در مقاله اهداف توسعه مجموعه برداشت ها را در سه رویکرد خلاصه می‌کند: ۱- نظریه‌های سازش‌پذیری که معتقد بودند اجزای متعدد جامعه در فرآیند نوسازی با یکدیگر مرتبط شده و از سنتی به مدرن تغییر می‌یابند. از این‌رو همه اهداف با یکدیگر هماهنگ و قابل وصول هستند. ۲- نظریه‌های اختلاف که بیشتر جریان سوسیالیستی بودند و این اهداف را، به ویژه عدالت با توسعه را قابل جمع نمی‌دانستند. ۳- سیاست تلفیقی که تلاش داشتند بین دو یا چند هدف از اهداف توسعه حرکت کنند؛ اگر چه در زمینه تقدم اهداف نیز وحدت نظر وجود نداشت (هانتیگتون، ۱۹۹۴، به نقل از منصورنژاد و زمانی محجوب، ۱۳۹۲، صص۸-۱۰).

www.SID.ir

Archive of SID

با گذر زمان و بروز پیامدهای اقتصادی و اجتماعی توسعه، به ویژه ظهور اقتصاد توسعه در دهه ۹۰، انتقادات نسبت به عدم لحاظ کرد مقولات اجتماعی در توسعه، از جمله عدالت، افزایش یافت. بسیاری از اقتصاددانان اذعان کردند که رویه عادی در اقتصاد نئوکلاسیک به افزایش فاصله طبقاتی ثروتمندن می‌انجامد. پروفسور لستر تارو، اقتصاد اقتصاد دانشگاه هاروارد می‌نویسد: «نظام سرمایه‌داری در جانب تولید، نابرابری‌های عمده‌ای در میزان درآمد و ثروت ایجاد می کند» (یاسپرس، ۱۳۶۲، ص۲۷۷).

نتیجه آن شد که دیدگاه‌های متفاوتی ذیل ارتباط دو مفهوم توسعه و عدالت شکل گرفت؛ برخی ملزم به تباین این دو مفهوم و برخی به گونه‌ای تعامل متقابل معتقد شدند؛ به نحوی که توسعه و عدالت قربانی یکدیگر نشود. البته رویه اجرایی عدالت، اولویت دوم پس از رشد اقتصادی قرار گرفت. اقتصاد متعارف به‌رغم داشتن رویکرد سکولار در حل مسائل، نظام بازار را بسترساز تخصیص عادلانه می‌داند (چپرا، ۱۳۸۳، ۲۶۵). اما در عمل آنچه اتفاق می افتد، فاصله طبقاتی فزاینده و «له شدن طبقات ضعیف در زیر چرخ‌های توسعه» است (رک. سلیمانی، ۱۳۸۸).

توسعه اقتصادی در اسلام مبتنی بر مبانی و ارزش‌های وحیانی است که علی‌رغم وجود اشتراکاتی با فرآیند توسعه در غرب، به‌جهت تفاوت در مبانی، فرهنگ و اهداف، مسیری مجزا می‌پیماید. مهمترین هدف نظام اقتصادی اسلام، توسعه اقتصادی عادلانه است تا علاوه بر رشد پایدار، بی‌نیازی تمام آحاد جامعه امکان‌پذیر شود.

۲. مفهوم شناسی

در این پژوهش، پس از تعریف مفاهیم اولیه، به بازشناسی مفهوم توسعه و عدالت از منظر قرآنی پرداخته شده و نسبت میان آن‌دو تبیین می گردد. در این راستا، ذکر پیشینه مطالعات متقدم و متأخر در دو محور عدالت و توسعه می‌تواند با افزایش دید به دامنه بحث، نسبت این دو مؤلفه را در پرتو مضامین قرآنی روشن‌تر نماید.

۲-۱. عدالت

بنا بر فرمایش امیرالمؤمنین (ع)، عدالت محکم‌ترین اساس در نظام اجتماعی است: «العدل اقوی اساس» (آمدی، ۱۳۸۹، ج۳، ص۳۷۴) که قوام عالم بر آن مبتنی است: «اساس به قوام العالم» (مجلسی، ۱۳۶۸، ج۷۸، ص۸۳). رسول اکرم (ص) نیز عدل را رکن حقایق عالم معرفی نموده است: «بِالْعَدْلِ قَامَتِ السَّمَاوَاتُ وَ الْأَرْضُ» (فیض کاشانی، ۱۴۱۶، ج۲، ص۶۳۸).

به بیان شهید مطهری، در قرآن از توحید تا معاد، از نبوت گرفته تا امامت و زعامت، و از آرمان‌های فردی گرفته تا اهداف اجتماعی، همه بر محور عدل استوار شده است. عدل در قرآن، هم‌دوش توحید، رکن معاد، هدف تشریع نبوت، فلسفه زعامت و امامت، معیار کمال فردی و مقیاس سلامت اجتماعی است (مطهری، ۱۳۸۵، ص۶۱). اما در مقام تعریف، هر علمی و هر عالمی بر مبنای مشرب خود به بیان مفهوم عدل پرداخته است (طباطبایی، ۱۳۸۲، ج۶، ص۲۰۴).

www.SID.ir

Archive of SID

۲-۱-۱. پیشینه بررسی عدالت اقتصادی

در بررسی پیشینه عدالت اقتصادی، کمتر نام اقتصاددانان به چشم می‌خورد و عمدتاً آرای فیلسوفان است. زیرا عدالت در زمره مهمترین بخش‌های اقتصاد هنجاری است. تنها در سده نخست تولد دانش اقتصاد، اقتصاددانان دستی بر اخلاق، فلسفه و سیاست داشتند و علم اقتصاد کنونی برای آن استدلالی ندارد و آن را از مبانی فلسفه اجتماع عاریت گرفته است(خاندوزی، ۱۳۹۰، ص۱۲۰).

عدالت در تمدن یونانی در محدوده فضایل اخلاقی و ذیل پرسش «کدام هدف برای انسان خیر واقعی به‌همراه می‌آورد؟» بود. ولی در تئوری‌های مدرن در سیطره آزادی فردی معنا می‌یابد که در پی پاسخ به سؤال «کدام رفتارها برای هر انسان مجاز است؟» است.

به باور راولز، نویسندگان عصر مدرن کمتر درباره خوب یا بد بودن رفتارها اختلاف‌نظر دارند و تمایز مکاتب آن‌ها بر سر محوری است که حقوق و تکالیف را تعیین می‌کند. وی سپس چهار سنت فلسفه اخلاق مدرن را از هم تمایز می‌دهد: حقوق طبیعی (لاک)، احساسات اخلاقی (هیوم)، شهود عقلایی (کلارک) و سنت آلمانی (کانت و هگل) (Rawls, 2000, pp2-10).

بنابراین صحبت از عدالت اقتصادی در عصر جدید یا به نظریه حق و فرصت‌های برابر ختم می‌شود و یا به تئوری عدالت توزیعی. البته در انتهای قرن بیستم بر هم‌گرایی بین این نظریات افزوده شده است. همچنین نظریات اخیر عدالت گرایش زیادی به اقتصاد یافته‌اند و به تعبیر یکی از دانشمندان، عقل فلسفی در جسم اقتصادی هستند (Kolm, 1996, p3).

تمام نظریات عصر مدرن برخاسته از مبانی جهان‌شناسی و انسان‌شناسی عصر جدید هستد و بر تعریف غایت‌زدا، اومانیستی و سکولار از عدل اجتماعی توافق دارند. هیچ مرجعی بیرون از انسان و هیچ مقصدی بیرون از رفاه را برای ترسیم عدالت به رسمیت نمی‌شناسند. بنابراین آشنایی با این نظریات اگر چه نکات آموزنده‌ای دارد، اما جدا از تشتت رویکردها، اعتبار آنها برای تدبیر امور مسلمین قطعاً محل تردید است(خاندوزی، ۱۳۹۰، ص۱۲۰-۱۲۴).

۲-۱-۱-۱. نظرات حکمای مسلمان

مسکویه در تهذیب الاخلاق، غزالی در میزان العمل و ابن‌سینا در شفا دیدگاهی شبه ارسطویی درباره عدالت دارند و آن را حد وسط بین افراط و تفریط در هر امر می‌شمارند (موحد، ۱۳۸۱، ص۱۰۲). گرچه غیر از فارابی و خواجه نصیر، حکمای فراوانی درباره عدل سخن گفته‌اند، اما تفاوت چندانی با نظریات اینان ندارد. تلقی رایج آنان از عدالت، تلقی اخلاقی بوده و ردپایی از عدل به عنوان پدیده‌ای اجتماعی به چشم نمی‌خورد. شاید عدم تتبع از ماهیت عدل و شناخت قواعد عادلانه در اندیشه حکمای مسلمان، به خاطر اعتقاد به عادلانه بودن شریعت و پرسش از چگونگی تحقق سیاست‌های شرع باشد (خاندوزی، ۱۳۹۰، صص۱۱۵-۱۲۰).

در میان معاصران، سید قطب به واکاوی عدالت اجتماعی از منظر اسلام می‌پردازد و پایه‌های آن را آزادی درونی، مساوات انسانی و تکافل اجتماعی برمی‌شمرد (قطب، ۱۳۷۹، ص۹۲). البته نظریه وی

www.SID.ir

Archive of SID

جمع‌بندی ساده‌ای از چارچوب فقهی اسلامی و تبیینی غیرسیستمی است.

در این باب، به‌طور کلی دو رویکرد عمده توازن محور و حقوق محور مطرح شده است. شهید صدر در رویکرد نخست قرار می‌گیرد. وی در جلد نخست اقتصادنا، سه اصل عدالت اجتماعی، مالکیت مختلط و آزادی اقتصادی را برای اقتصاد اسلامی برمی‌شمرد (صدر، ۱۳۵۰، ص۳۶۵). اما در موضعی دیگر عدالت را حد فاصل علم اقتصاد و مکتب اقتصادی معرفی می‌کند و مالیکت و آزادی را جزء آن برمی‌شمرد. وی بر این باور است که تفسیر عدالت در اسلام، به جای آن‌که انتزاعی و باز باشد، انضمامی و واقعیتی زنده است (اخوان کاظمی، ۱۳۸۶، ص۲۲) و سازوکارهای مشخص اسلامی برای تحقق آن درنظر گرفته شده که بیشتر ناظر به حوزه توزیع است.

عدالت اجتماعی نیز به نوبه خود دارای دو اصل عمومی تکافل اجتماعی و توازن اجتماعی است(صدر، ۱۳۵۰، ص۳۶۴). وی مسئولیت متقابل اجتماعی افراد جامعه نسبت به یکدیگر، در حدود ظرفیت، توانایی و امکانات را تکافل اجتماعی می‌داند. وضع صدقات، خمس، زکات برای آن است که افراد جامعه در تأمین نیازهای ضروری یکدیگر مورد بازخواست قرار خواهند گرفت (صدر، ۱۳۵۷، ص۳۲۲).

بر مبنای توازن اجتماعی، تفاوت‌های اقتصادی میان افراد به رسمیت شناخته می‌شود و افراد به مقدار سرمایه و امکانات می‌توانند متناسب با مقتضیات روز، از مزایای زندگی برخوردار شوند. جناب حکیمی نیز به جای اجتهاد فقهی با روش تفسیر آیات و روایات، همین رویکرد توازن را پیش می‌برد. البته وی در وضع حقوق، فرصت مداخله بیشتری به اخلاق می‌دهد و به‌نوعی، مرز اخلاق و نظام حکومتی را خلط می کند (حکیمی، ۱۳۷۶، ج۶، ص۱۵۳).

نظریه شهید مطهری در رویکرد حقوق محور قرار می‌گیرد که بر حقوق طبیعی و فطری انسان‌ها پای می‌فشرد. برخورد مساوی با استحقاق‌های مساوی و در مقابل، قانون و فرصت‌ها و امکانات عمومی، از لوازم رسیدن افراد به حق خویش است. رعایت حقوق و شایستگی‌های افراد، در واقع همان «اعطاءُ کلِّ ذی حقٍّ حقَّه» است (مطهری، ۱۳۶۱، ص۸۸؛ خاندوزی، ۱۳۹۰، صص۱۰۸-۱۱۴).

۲-۱-۱-۲. تحقیقات معاصر

از بین تحقیقات مرتبط به مبانی اسلامی عدالت، به موارد زیر اشاره می‌شود:

نظری (۱۳۸۳) در تحقیق خود نتیجه می‌گیرد منشأ تمایز دیدگاه اسلام با نظریات دیگر در سه نکته: «رابطه تلازم میان عدالت و حق»، «عدم واگذاری کلیات حقوق متقابل حاکمیت و ملت به رأی یک فرد» و «از بین بردن زمینه‌های رانت‌خواری برای تحقق عدالت اقتصادی» می‌بینند.

رستمی(۱۳۸۳) اثبات می‌کند که عدالت حقیقتی ثابت و حاکم بر کل خلقت است و وظیفه انسان کشف آن و برقرار ساختن نظام‌های رفتاری بر اصول آن است. وی با تکیه بر مفاهیم مالکیت و استعدادها، به تبیین ویژگی‌های نظریه عدالت اقتصادی می‌پردازد. یوسفی (۱۳۸۴) معتقد است عدالت اقتصادی، به معنای مراعات حقوق اقتصادی در حوزه رفتارها و روابط اقتصادی است.

www.SID.ir

Archive of SID

نبوی (۱۳۸۵) با تأکید بر تبیین حق هر چیز در حکمت الهی، بیان می کند که حق طبیعت بهره‌برداری صحیح و عدم تخریب، حق اموال بهره برداری صحیح و کارا، حق جامعه رفتار طبق حقوق متقابل و قرارگیری در جای شایسته است. سبحانی (۱۳۸۹) معتقد است که عدالت با اصول اقتصاد بازار رقابتی در عرصه اقتصاد پی گرفته می شود و اخلاق رفتاری در عرصه‌های مختلف تولید، مصرف و توزیع حاکمیت دارد.

رجایی و معلمی (۱۳۹۰) برای تدوین شاخص‌های عدالت اقتصادی اسلام، چهار معنای عدالت: تساوی، دادن حق به صاحبان حق، توازن و اعتدال و قلمروهای آن را تفکیک می کنند. بر اساس این تحقیق، معیار عدالت در توزیع فرصت‌ها «مساوات»، و در توزیع کارکردی «استحقاقی سهمی با تراضی»، و در توزیع درآمد و ثروت «توازن» است.

رنجبر و نجاتی (۱۳۹۲) صرفاً به بررسی مفهوم عدل و مترادفات آن در قرآن کریم می‌پردازد. پورمولا و همکاران(۱۳۹۴) نیز واژه عدل را در دستگاه معناشاختی قرآن بر مدل ایزوتسو معناشناسی می کند و نسبت آن با برخی مفاهیم اخلاقی و دینی از قبیل قسط، حق، ایمان، علم، صدق و تقوی را تبیین می‌نماید.

خاندوزی (۱۳۹۴) در رویکردی جامع در بخش نخست کتاب «مدینه عادله»، نظریات اندیشمدان پیشامدرن، رویکردهای مدرن و اندیشه مسلمان معاصر را بررسی می کند. در بخش دوم نیز موضوعی را در سه محور نگرش عام قرآن به عدالت، عدالت اقتصادی در قرآن و تکمیل نظریه عدالت اقتصادی پیگیری می کند.

۲-۱-۲. معنای لغوی عدل

راغب با رویکرد توزیعی، عدل را به معنای مساوات و توزیع به‌اندازه و برابر گرفته است: «العدالۀ لفظ یقتضی معنی المساواۀ، فالعدل هو التقسیط علی سواء» (راغب، ماده عدل). جزا و پاداش از دیگر مفاهیم ذیل واژه عدل است. برخی دیگر در تعریف کلی، عدل را هر آن چیزی که فطرت انسان حکم به راست بودن آن می‌نماید، تعریف کرده‌اند (ابن منظور، ماده عدل). می‌توان در یک جمع‌بندی گفت: واژه «عدل» در معنای لغوی، به معنای میانداری بین افراط و تفریط است. به گونه ای که در آن هیچ نقصان یا زیادتی نباشد (مصطفوی، ۱۳۶۸، ج۸، ص۵۵) و در نقطه مقابل جور یا ستم قرار می گیرد.

۲-۱-۳. تعریف اصطلاحی

در بین تعاریف متعدد، بهترین تعریف عدل، بیان امیرالمؤمنین (ع) است که: «هر چیز در جای خودش قرار بگیرد و هر ذی حقی به حق خود برسد» (نهج البلاغه، حکمت۲۳۱). بنابر این تعریف، برای عدل می توان دو مفهوم خاص و عام در نظر گرفت: یکی رعایت حقوق دیگران و دیگری انجام دادن کار حکیمانه که رعایت حقوق دیگران هم از مصادیق آن می‌باشد (مصباح یزدی، ۱۳۷۴، ص۱۹۳).

www.SID.ir

Archive of SID

برحسب کاربرد عدالت اقتصادی در متون اسلامی، می‌توان چهار معنای: تساوی، دادن حق هر صاحب حق به آن، عدم تفاوت فاحش در آمدی و اعتدال را استخراج کرد. ولی تمامی آن و حتی معنای مطلق عدالت را می‌توان به مفهوم «اعطاءُ کلِّ ذی حقٍّ حقَّه» گرفت (رجایی و معلمی، ۱۳۹۰، ص۱۲).

علامه طباطبایی حقیقت عدالت را برپا داشتن مساوات و برقراری موازنه میان امور بیان می کند، به گونه ای که هر چیز، سهم مورد استحقاق خود را داشته باشد و افراد در همه امور، در مورد استحقاق خویش متساوی گردند (طباطبایی، ۱۳۸۲، ج۲، ص۳۵). ایشان جای دیگری تعریفی مشابه برای عدالت می آورد: «و هی اعطاء کل ذی حق من القُوی حقه و وضعه فی موضعه الذی ینبغی له» (همان، ص۳۷۱).

۲-۱-٤. معناشناسی عدالت در قرآن

رسیدن به معنای روشنی از مفهوم عدل در دستگاه معناشناسی قرآن، نیازمند واکاوی بافت‌های کاربردی این واژه است. در مجموع، معانی نسبی واژه عدل از مفاهیم به دست آمده، حوزه معنایی آن را در نظام معنایی قرآن مشخص می کند. در نظام معنایی قرآن، عدل با برخی از مفاهیم دینی و اخلاقی از جمله قسط، ظلم، حق، ایمان، علم، صدق و تقوی ارتباط عمیقی دارد. با بررسی این حوزه‌های معنایی، مفهوم اصلی واژه عدل میانداری بین افراط و تفریط یا همان «حق محوری» است (پورمولا و همکاران، ۱۳۹۴، صص۶-۲۱). البته عدالت اقتصادی با واژگان بیشتری از جمله شکر، مال، معیشت، رزق، غنی و فقر ارتباط می‌یابد.

علامه طباطبایی با استنادات روایی، بهترین معنا برای شکر را «وضع النعمه فی موضعه»، یعنی استفاده از نعمت در جایگاه درست خود می‌داند (طباطبایی، ۱۳۸۲، ج۱۲، ص۳۴). تشابه معنای شکر با عدل در سیاق قرآن و روایات به شکلی است که شکر شعبه‌ای از عدل خواهد بود. غالب مفسران «قسط» را به عدل تفسیر کرده‌اند (طباطبایی، ۱۳۸۲، ج۵، ص۳۴۱). اما تفاوت‌هایی نیز برای آن ذکر شده است. برخی عدالت در پرداخت حق دیگران (نقطه مقابل ظلم)، ولی قسط را ندادن حق یک شخص به دیگری (مقابل دادن حق به فرد دیگر) دانسته‌اند (مکارم شیرزای، ۱۳۷۴، ج۶، ص۱۴۳). برخی عدالت را مربوط به مقام داوری و قسط را عمل و اجر گرفته‌اند (مهدوی کنی، به نقل رجایی و معلمی، ۱۳۹۰، ص۱۱). با توجه به کاربردهای قسط می‌توان آن را در معنای مراعات حقوق انسانی، اخص از عدل دانست.

۲-۱-۵. عدالت اقتصادی

بنا بر تعریف عدل، عدالت اقتصادی وضع بایسته انواع حقوق اقتصادی در جامعه است که شامل دو دسته حقوق انسانی و غیرانسانی می‌شود. از این رو در عدالت اقتصادی اسلام، دغدغه اصلی، دیگر کارایی تولید (شبیه نظام سرمایه‌داری) یا برابری توزیعی (شبیه کمونیسم) نیست. بلکه مسأله شیوه مواجهه صحیح با منابع انسانی و غیرانسانی بر پایه مفهوم حق است. زیرا عدالت اقتصادی در حوزه

www.SID.ir

Archive of SID

منابع انسانی به دو عرصه توزیع (داد و ستد در بازار کار، محصولات و سرمایه) و بازتوزیع (ارث، یارانه، انفاق، زکات، خمس و ...) و در عرصه منابع غیرانسانی که شامل اموال و منابع است، به دو بخش تولید (بهره‌برداری) و مصرف (استفاده نهایی) قابل تقسیم است (خاندوزی، ۱۳۹۰، صص۲۳۳-۲۵۲).

در عدالت اسلامی تمامی منابع بالقوه که به ما امکان و فرصت بهره‌گیری می‌دهند، دارای حقوقی در نحوه مواجهه انسان با آنها هستند. دامنه منابع شامل: منابع طبیعی (دریا و جنگل)، اموال (سرمایه‌های اقتصادی) و منابعی از جنس قوه (امکان ها، استعدادها و فرصت‌ها) است که مواجهه ناصحیح با آنها در زبان قرآن با کفران بیان شده است (همان، صص۲۹۵-۳۱۷).

شهید صدر دو اصل اساسی در توزیع و رفع فقر را از آیات شریفه «لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ» (حدید/۲۵) و «كَيْ لا يَكُونَ دُولَةً بَيْنَ الْأَغْنِياءِ مِنْكُمْ»(حشر/۷) استخراج می‌کند. قرآن با احترام به مالکیت خصوصی، از تداول ثروت بین اغنیاء ممانعت کرده و اجازه نمی‌دهد تا عده محدودی، حتی به واسطه قدرت و ابتکار خود، از ثروت نجومی برخوردار گردند و تعداد زیادی محروم بمانند. بسیاری از متون اقتصاد اسلامی، توازن و عدم فاصله طبقات را از ارکان عدالت اقتصادی دانسته‌اند (صدر، ۱۳۸۲، ص۶۷۳).

البته از طبیعت احکام شرعی همچون: ممنوعیت کنز(توبه/۳۴) و تحریم ربا (بقره/۲۷۸)، آیات مربوط به ارث و حق قانون‌گذاری حکومت نیز می‌توان فهیمد که در نظام اقتصادی اسلام، توازن اجتماعی ضرورت دارد (رجایی و معلمی، ۱۳۹۰، ص۱۶). از این رو عدالت اقتصادی در بستر اقتصاد اسلامی باید از طریق احکام الزام‌آور اقتصادی محقق شود. بیان صریح از حق فقرا در اموال اغنیاء در آیه شریفه «وَ فِي أَمْوالِهِمْ حَقٌّ لِلسَّائِلِ وَ الْمَحْرُومِ» (ذاریات/۱۹)، موارد متعدد امر به انفاق و بیان عقوبت سنگین ترک اطعام مساکین با لحن شدید (طباطبایی، ۱۳۸۲، ج۲۰، ص۱۸۰) مؤیداتی بر وجود پرداخت‌های واجب غیر از خمس و زکات است.

۲-۲. توسعه

اصطلاح توسعه دارای تعاریف متعددی است. زیرا توسعه از جمله مفاهیم مرکب علوم اجتماعی است که مصادیق آن با توجه به مکاتب، شرایط و ارزش‌های حاکم بر هر جامعه تغییر می‌کند و نزد افراد مختلف، متفاوت است (موسایی، ۱۳۷۳، ص۷). بعضی توسعه را تغییرات کیفی در خواسته‌های اقتصادی، نوع تولید، انگیزه‌ها و سازمان تولید می‌دانند (قره‌باغیان، ۱۳۷۰، ص۷). تودارو توسعه را جریانی چندبعدی تعریف می‌کند که مستلزم تغییرات اساسی در ساخت اجتماعی، طرز تلقی عامه مردم و نهاده‌های ملی و نیز تسریع رشد اقتصادی، کاهش نابرابری و ریشه‌کن کردن فقر مطلق است (تودارو، ۱۳۷۹، ص۱۳۵). میردال نیز توسعه را «حرکت یک سیستم یکدست اجتماعی به سمت جلو» تعریف می‌کند (جیروند، ۱۳۶۸، ص۸۴).

توسعه ابتدا امری اقتصادی و مساوی با رشد تولید ملی تلقی می‌شد؛ اما سیر تحول توسعه در غرب، از رویکرد رشد اقتصادی آغاز و بعد از عبور از رویکرد نیازهای اساسی و سپس توسعه منابع انسانی،

www.SID.ir

Archive of SID

به توسعه انسانی در مفهوم امروزی منجر شد (خلیلی تیرتاشی، ۱۳۸۰، ص۱۰۸)؛ انسان توسعه‌یافته‌ای که از درجات بالای مهارت‌های لازم یک شهروند جامعه مدنی برخوردار است (برادران حقیر و دیالمه، ۱۳۸۹، ص۴۹).

تعریف توسعه اقتصادی، همان تعریف توسعه در جنبه اقتصادی است. توسعه اقتصادی ناشی از تغییرات روحی و اجتماعی است که قدرت تولیدی نظام اقتصادی را در یک جبهه وسیع، مدام افزایش می‌دهد (موسایی، ۱۳۷۴، صص۴۴-۴۵) و شالوده‌های اقتصادی و اجتماعی جامعه را دگرگون می‌سازد، به‌طوری نابرابری‌های اقتصادی را کاهش داده و تغییراتی در زمینه‌های توزیع و الگوهای مصرف ایجاد می‌کند. اغلب توسعه اقتصادی را با مفهوم رشد اقتصادی یکی می‌شمردند. مقصود از رشد، افزایش تولید است که مفهومی کمی دارد. اما مفهوم توسعه دربردارنده فرآیندهای پیچیده‌تری است که آن را می‌توان یک مفهوم کیفی دانست (ازکیا، ۱۳۷۷، ص۱۸).

پیشگامان فکری توسعه در انقلاب‌های عصر رنسانس، به علت خشونت‌های کلیسا و درک ناکافی از آموزه‌های الهی، الگوی مادی توسعه را مبتنی بر دنیاگرایی، اومانسیم، سکولاریسم، اصالت لذت و ... پی‌ریزی کردند. درحالی که توسعه اقتصادی در اسلام مبتنی بر مبانی و ارزش‌های وحیانی و در راستای اهداف اسلامی تعریف می‌شود. این توسعه علی‌رغم برخی وجوه مشترک، به جهت تفاوت در مبانی، ارزش‌ها و اهداف مسیری مجزا از توسعه غربی می‌پیماید.

ازآنجا که تفاوت اصلی دیدگاه‌های الهی از دیدگاه مادی، در ایمان به غیب است، شناخت مختصات توسعه اقتصادی اسلامی جز با تکیه بر آموزه‌های وحیانی امکان‌پذیر نخواهد بود (درخشان، ۱۳۸۹، ص۳۰). لذا ضروری است تا به فهم توسعه اقتصادی از منظر قرآنی بپردازیم.

۲-۲-۱. توسعه اقتصادی در قرآن

اهمیت «توسعه اقتصادی» و نقش بارز آن در بنا نهادن جامعه‌ای آرمانی، در شماره مسلمات کتاب و سنت است. تنها یکی از عللی که ضرورت آن را ثابت می‌کند، حفظ عزت اسلامی است. زیرا تحکیم زیرساخت‌های اقتصادی مناسب برای تقویت بنیه دفاعی مسلمین از اهم واجبات است. از آنجا که هویت فرد و جامعه به عزت است و بدون آن، امنیت اعتقادی و اخلاقی در معرض تهدید قرار می‌گیرد، حرکت در جهت نیل به توسعه و اقتدار اقتصادی، تلاش برای کسب عزت محسوب می‌شود. خداوند هیچ‌گاه برای کفار بر مؤمنین تسلط قرار نداده (نساء/۱۴۱) و از مسلمانان می‌خواهد تمام نیروهای خود را در مقابله با توطئه‌های دشمنان آماده نمایند (انفال/۶۰).

اسلام برنامه تکامل همه جانبه فرد و جامعه را به‌همراه دارد و از این رو بهره‌برداری از ابزارها و امکانات مادی جهت تعالی فکری، مادی و معنوی بشر را لازم می‌داند. این امر در سطح گسترده‌تری در جامعه و تعریف الگوی توسعه آن تجلی می‌یابد. طراحی الگوی توسعه بر مبنای ارزش‌های اسلامی، به استنباط علمی از متون دینی به ویژه قرآن کریم و سیره معصومین (ع) در عرصه‌های مختلف فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و اخلاقی نیازمند است. قرآن کریم منبع ارزنده‌ای برای استنباط

www.SID.ir

Archive of SID

در این حوزه است؛ چرا که بیش از یک‌پنجم آیات آن به‌طور کلی یا جزئی از اقتصاد سخن گفته است (دلالی اصفهانی و بخشی دستجردی، ۱۳۸۹، ص۱۶۱).

۲-۲-۱-۱. کلیدواژه‌های توسعه در قرآن

توسعه اصطلاحی نیست که در متن آیات و احادیث آمده باشد و این مضمون بیشتر با کاربردهای برکت، وسع، رشد و هدی استعمال شده است. توسعه زمانی تحقق پیدا می‌کند که جامعه در تمام ابعاد و شاخص‌ها ارتقاء داشته باشد و این رهیافت در کلام قرآن با مفهوم «برکت» در آیه «وَ لَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرى آمَنُوا وَ اتَّقَوْا لَفَتَحْنا عَلَيْهِمْ بَرَكاتٍ مِنَ السَّماءِ وَ الْأَرْضِ» (اعراف/۹۶) پیوند می‌خورد (خان محمدی، ۱۳۸۸، ص۷۵). برکات مفهوم عامی است که همه نعمت‌های آسمانی و زمینی همانند فراوانی رزق، بهداشت محیط، امنیت، عدالت اجتماعی، بهداشت روانی و ... را در بر می‌گیرد (طباطبایی، ۱۳۸۲، ج۸، ص۲۰۱).

این مفهوم غایت توسعه را توصیف می‌کند که مشروط به تحقق دو شرط ایمان و تقوی است. یعنی با تغییر درونیات و روحیات افراد جامعه و پیوند ایمانی با مبدأ، همچنین ظهور تقوا در رفتار و منش مؤمنان، درهای برکات از آسمان و زمین گشوده می‌شود. بنابراین ایمان به‌تنهایی کافی نیست و مؤلفه‌های ایمان در صورتی که به رفتار منجر شده و به‌شکل نظام ایدئولوژی برای مردم یک جامعه درآیند، می‌توانند توسعه‌ساز باشند.

وسع در آیات قرآن متضمن دو بُعد مادی «إِنَّ أَرْضي واسِعَةٌ» (عنکبوت/۵۶) و معنوی «وَسِعَ رَبُّنا كُلَّ شَيْءٍ عِلْماً» (اعراف/۸۹) است. کابرد رشد در قرآن نیز به معنای کمال عقلی (هود/۷۸)، جهت‌گیری الهی در عواطف (حجرات/۷)، حق محوری (کهف/۱۰) و اهتدا به راه نجات و پیروی از دین است (طباطبایی، ۱۳۸۲، ج۲، ص۵۲۴).

بررسی این واژگان نشان می‌دهد که هدایت اگرچه از لوازم نیل به رشد است، ولی شامل امور ناپسند از جمله جهنم نیز می‌شود: «فَاهْدُوهُمْ إِلى صِراطِ الْجَحيمِ» (صافات/۲۳) و از این نظر اعم از رشد است. وسع هرگونه انبساط و گسترش در ابعاد مثبت و منفی را شامل می‌شود، ولی رشد جهت‌گیری به‌سمت واقع امر در جهت مثبت است. از این حیث واژه رشد برای پیگیری در منابع قرآنی و روایی مناسب‌تر است.

با پیگیری واژه رشد در قرآن درمی‌یابیم که رشد تمام حوزه‌های شناخت، عواطف و رفتار را در بر می‌گیرد و انسان رشدیافته دارای کمال عقلی، جهت‌گیری الهی در عواطف و تبعیت عملی از دین است. در واقع توسعه انسان محور در غرب، به توسعه حق محور در جهت تحقیق هدف خلقت (عبودیت) تغییر می‌یابد (برادران حقیر و دیالمه، ۱۳۸۹، صص۵۷-۶۹).

بررسی جایگاه انسان در قرآن همچون خلافت در زمین (بقره/۳۰)، کرامت الهی (اسراء/۷۰) و تسخیر زمین برای انسان (جاثیه/۱۳) نشان می‌دهد که توسعه باید بر اساس جایگاه انسان و نقش وی تعیین گردد و اساس تعالی در این زمینه، هر چه مؤثر بودن در هدایت جامعه است (مرعشی، ۱۳۷۷، ص۵۹).

www.SID.ir

Archive of SID

رشد تنها در آیه شریفه: «وَ ابْتَلُوا الْيَتامى حَتَّى إِذا بَلَغُوا النِّكاحَ فَإِنْ آنَسْتُمْ مِنْهُمْ رُشْداً فَادْفَعُوا إِلَيْهِمْ أَمْوالَهُمْ» (نساء/۶) جنبه اقتصادی دارد. خداوند در این آیه پس از ذکر بلوغ جنسی، به رشد اشاره می کند که منظور قدرت تشخیص و تمییز مسئولیت‌آفرین در بهره‌برداری از امکانات و استعدادهاست. از این رو شهید مطهری «رشد فردی» را شایستگی برای نگهداری و بهره‌برداری از امکانات و سرمایه‌های در اختیار انسان و «رشد ملی» را شایستگی یک ملت برای نگهداری و بهره‌برداری و سود بردن از سرمایه‌ها و امکانات طبیعی و انسانی خود تعریف می کند (مطهری، ۱۳۸۵، ص۶۴۴).

۲-۲-۱-۲. زوایای توسعه در قرآن

مفهوم توسعه در پرتو مضامین قرآن، در ارتقای مستمر و همه جانبه حیات انسانی از طبیعت به سوی ماورا مطرح می‌شود. از این رو جامعه‌ای توسعه‌یافته است که در آن افراد از یک سو و کل جامعه از سوی دیگر نسبت‌شان را از چهار منظر اصلاح کرده باشند: نسبت انسان با خدا، خود، انسان‌های دیگر و طبیعت (ملایری، ۱۳۸۷، ص۱۱).

به عنوان نمونه مفاهیمی همچون: ایمان، تقوی، عمل صالح، تزکیه، توکل، شکر، امر به معروف و ... از مفاهیمی هستند که مبیّن رابطه انسان با خدا بوده و در پرتو آن‌ها آشکار می‌شود که جامعه، توسعه‌یافته و برخوردار از حیات طیبه است؛ همان‌طور شرطیت دو مؤلفه ایمان و تقوا که در نزول برکات از نظر گذشت (اعراف/۶۹). همچنین تأکید قرآن بر تزکیه به عنوان راه سعادت: «قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّاها» (شمس/۹) و معرفی آن به‌عنوان یکی از اهداف و رسالت‌های انبیاء: «هُوَ الَّذي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولاً مِنْهُمْ يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آياتِهِ وَ يُزَكِّيهِمْ» (آل عمران/۱۶۲) نشان از اهمیت این شاخصه در دست‌یابی انسان به سعادت است.

در تبیین رابطه انسان با طبیعت و تبیین بُعد مادی توسعه، آیه شریفه «هُوَ أَنْشَأَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ وَ اسْتَعْمَرَكُمْ فيها» (هود/۱۶) راه‌گشاست. استعمار در مفهوم قرآن به معنای طلب آبادانی است. یعنی انسان زمین را آباد سازد به گونه‌ای که بتواند از فوائد آن بهره‌برداری کند (علامه طباطبایی، ۱۳۸۲، ج۱۰، ص ۳۰۸). البته معنای دیگر مستفاد از این آیه، این است که در وجود انسان و فطرت وی، ویژگی‌هایی قرار داده است تا به عمران زمین اقدام کند. از این رو توسعه از نظر اسلام، امری فطری و بیان دیگری از مفهوم تکامل انسان است.

در مجموع از آنجا که انسان‌ها به‌سوی کمال مطلق در حرکت هستند (انشقاق/۶)، سیر رشد آنها در صراط مستقیمی است که خداوند در نظام هستی تعبیه کرده و بر اساس نقشه دین، به سوی توسعه همه‌جانبه هدایت می کند: «... وَ إِنَّكَ لَتَهْدي إِلى صِراطٍ مُسْتَقيمٍ. صِراطِ اللَّهِ الَّذي لَهُ ما فِي السَّماواتِ وَ ما فِي الْأَرْضِ أَلا إِلَى اللَّهِ تَصيرُ الْأُمُورُ» (شوری، ۵۲-۵۳). بنابراین توسعه اقتصادی از منظر قرآن در نگهداری و بهره‌برداری بهینه از تمامی امکانات و منابع طبیعی و انسانی در مسیر استخلاف الهی (ارتباط صحیح با خدا، انسان و طبیعت) تعریف می‌شود.

www.SID.ir

Archive of SID

۳. انواع نگرش میان عدالت و توسعه اقتصادی

به نظر می‌آید توسعه به مقوله‌ای بیشتر مادی، و عدالت به ماهیتی فراتر از ملاحظات مادی اشعار دارد. از این رو این دو مفهوم در چنبره تقابل مادی - معنوی و دلالت‌های ثبوتی و اثباتی آن افتاده و به دو راهی بزرگی در معارف انسانی تبدیل شده است. البته گاهی به دوگانه‌هایی دیگر چون عدالت- کارآیی، عدالت- قدرت و عدالت - رشد فروکاست داشته است (پیغامی، ۱۳۸۹، ص۲۸). به طور کلی سه رویکرد اساسی در مورد رابطه نسبت دو مفهوم مطرح است:

۳-۱. تباین عدالت و توسعه اقتصادی

نگرش‌هایی به‌ویژه در مراحل نخستین نظریه توسعه، معتقد به تعارض و تضاد بین این‌دو بوده‌اند (Erik & Thorbeke, 2007). برخی دیگر تلاقی این دو را به خارج مرزهای اقتصاد برده‌اند (Alston, 2005). توضیح آنکه هدف اقتصاد متعارف، افزایش تولید ناخالص و در نهایت افزایش رفاه عمومی است. لذا از آنجا که عدالت، مقوله‌ای ارزشی است، اقتصاد نیز از این مبحث کاملا مبرا بوده و حمایت از اقشار آسیب‌پذیر به‌عنوان یک آسیب اجتماعی مورد توجه قرار خواهد گرفت. به باور آنان، عدالت مقوله‌ای است که در صورت افزایش درآمد و ثروت عمومی، خودبه‌خود محقق می‌شود (زریبافان، ۱۳۸۷، صص۳۵-۳۶).

اساس پاسخ اقتصاد نئوکلاسیک در بحث عدالت، در اقتصاد کاملا بی‌طرف است، و به اذعان «دبرثر»، در برخورد با چنین انتخابی اقتصاددان مجبور است «موضع غیرانسانی» اتخاذ نماید (نقوی، ۱۳۷۸، ص۲۰). زیرا دغدغه‌اش ماهیتاً بر روی کارایی است. به عنوان نمونه «هایک»، از مهم‌ترین نمایندگان موج نئولیبرالیسم، آزادی فردی را در ساحت مناسبات اقتصادی جامعه مهمتر و کارسازتر از عدالت اقتصادی می‌داند و عدالت اقتصادی را همان رهاورد مکانیزم بازار و حاکمیت اصل رقابت و موضوعی درون سیستمی برمی‌شمرد (نظری، ۱۳۸۲، ص۹۵).

۳-۲. توسعه اقتصادی توأم با عدالت

از آنجا که هدف‌گیری صرف برای توسعه اقتصادی، تعادل اجتماعی را به‌هم می‌ریزد، نمی‌توان سازوکار عملکرد اقتصادی را صرفاً بر پایه توسعه استوار کرد؛ بلکه تحقق توسعه متوازن، توجه به سایر ابعاد اجتماعی نظیر عدالت را لازم دارد. لذا برای جلوگیری از بحران‌های اجتماعی لازم است اقدام به توانمندسازی اقشار آسیب‌پذیر نمود (زریبافان، ۱۳۸۶، ص۱۲).

نگرش قرآن در قالب اندیشه «توسعه عدالت‌محور» قابل پیگیری است. یکی از تمایزات این نگرش با نظام سرمایه‌داری، تفاوت در هدف از کاهش فقر است. در این نظام‌ها نوعی نگاه ابزاری به انسان وجود دارد که تقلیل فقر را تنها به‌دلیل بهبود شرایط تولید و مصرف و عدم مواجهه با بحران پیگیری می‌کند. اما در نگرش اسلامی، از بین بردن فقر با مسأله کرامت انسانی ارتباطی وثیق دارد. از منظر قرآن تمامی انسان‌ها حق عمومی برای زندگی کرامت‌مندانه دارند: «وَ لَقَدْ كَرَّمْنا بَني آدَمَ وَ حَمَلْناهُمْ

www.SID.ir

Archive of SID

فِي الْبَرِّ وَ الْبَحْرِ وَ رَزَقْناهُمْ مِنَ الطَّيِّباتِ» (اسرا/۷۰) و باید کرامت انسان‌های نیازمند و محروم تأمین شود: «بَلْ لا تُكْرِمُونَ الْيَتِيمَ» (فجر/۱۷).

این کرامت انسانی تا آن اندازه مهم است که نباید هیچ فردی در جامعه اسلامی فقیر بماند. به تعبیر امیرالمؤمنین علیه‌السلام «لو تمثّل لی الفقرُ رجلاً لقتلتُه» (جرداق، ۱۴۱۷، ص۲۳۳). لذا باید از حق بازتوزیع برای تأمین معیشت کرامت‌مندانه بهره جست. با توجه به اینکه فقر در نگاه اسلام، فقر فرهنگی و جهل را نیز دربر می‌گیرد، از بین بردن فقر به‌معنای رشد کرامت انسانی و شکوفایی فضایل انسان‌هاست (نظری، ۱۳۹۴).

٤. رابطه عدالت اقتصادی و توسعه اقتصادی از منظر قرآن

ماهیت جامعه اسلامی متشکل از دو عنصر هدایت (تکامل) و عدالت است که به ابعاد فطرت انسان‌ها میدان رشد و عمل می‌بخشد و هر دو، حول محور رهبر دینی عادل مورد تأکید قرار می‌گیرد. در آیات الهی به‌روشنی می‌توان دریافت که عدالت در روابط اجتماعی، ساختاری بوده و تمامی تلاش پیامبران، اولیاء و متفکران تاریخ در مسیر تحقق مراتب عدالت صورت گرفته است. در ادامه به تبیین نسبت میان عدالت اقتصادی و توسعه اقتصادی پرداخته می‌شود و محورها و زوایای تأثیرپذیری، جهت‌گیری‌ها و میزان اثرگذاری طرح می‌شود.

٤-١. هدف مشترک اقتصاد

به‌طور کلی اهداف یک نظام اقتصادی روشنگر، جهت‌های اقتصادی و هدایت‌گری مسیر فعالیت‌های اقتصادی به‌سمت آرمان‌های مطلوب است. با مراجعه به آیات و روایات، شاخصه‌های فراوانی در زمینه اقتصاد ایده‌آل اسلامی مطرح شده، اما به نظر می‌رسد هدف اصلی نسبت به درون جامعه اسلامی، عدالت اقتصادی و نسبت به بیرون آن، قدرت اقتصادی است (هادوی تهرانی، ۱۳۸۳، ص۵۵).

شهید صدر معتقد است که اقتصاد اسلامی نمایانگر عدالت اسلامی و ارائه دهنده روشی عادلانه جهت تنظیم زندگی اقتصادی است (صدر، ۱۴۰۱، صص۱۷۹-۱۵۱). از این‌رو می‌توان گفت که تکامل مادی و معنوی به‌عنوان اساس مدل توسعه اقتصادی و عدالت اجتماعی، به عنوان هدف نهایی مطرح است و سایر اصول و اهداف، مقدمه‌ای در راستای تحقق تکامل فطری بشر و عدالت اجتماعی خواهند بود (زریبافان، ۱۳۸۷، ص۱۳).

٤-٢. تلازم و زمینه‌سازی

پیشرفت اقتصادی بدون عدالت اجتماعی در رفع و محرومیت اثری ندارد و عدالت بدون پیشرفت نیز فاقد کارآیی است؛ لذا تنها توسعه عدالت محور اثرگذار است. آیات و روایات تاکیدات زیادی مبتنی بر رشد و عدالت توأمان دارند.

قرآن کریم پس از تاکید بر فطرت الهی انسان‌ها، هدف از بعثت انبیا را تشکیل جامعه بر محور

www.SID.ir

Archive of SID

قسط معرفی می کند: «لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ» (حدید/۲۵). همچنین رسول اکرم (ص) پس از ایمان به وحی الهی، مأمور به اجرای عدالت شده است: «وَ قُلْ آمَنْتُ بِمَا أَنزَلَ اللَّهُ مِنْ كِتَابٍ وَأُمِرْتُ لِأَعْدِلَ بَيْنَكُمُ» (شورا/۱۵)؛ زیرا اگر ارسال پیامبران به قصد ایجاد نظام عادلانه نمی‌بود، این ارسال اثربخشی خود را نمی گذاشت و تنها صدای شیطان در عالم شنیده می‌شد. بنابراین قسط مقدمه‌ای برای توحید و نفی طاغوت است: «وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولاً أَنِ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ» (نحل/۳۶).

باتوجه به آیات قرآن، عدالت امری اقامه‌ای بوده و به‌خودی خود محقق نمی‌شود؛ یعنی با ارسال انبیاء، مصادیق مبهم قسط و قواعد کلی عدالت در رفتار آنان تعین می‌یابند و الگوی «خلیفه الهی» مردم را به عدل و ارزش‌های اجتماعی (رعایت حقوق فرد، جامعه و طبیعت) هدایت می کند بنابراین عدالت باید باشد تا عبادت خدا معنادار باشد و رشد نیز باید باشد تا عدالت کارایی یابد. از این رو عدالت لازمه هر حرکت اجتماعی است که در تمامی مدل‌های توسعه باید پیگیری شود.

از همین رو «چپرا» توسعه همراه با عدالت را بدون تکامل معنوی ممکن نمی‌داند؛ چرا که به اعتقاد وی توسعه همراه با عدالت، نیازمند استفاده کارا و عادلانه از همه منابع است و عدالت و کارآیی بدون معنویت در تعقیب اهداف اقتصادی، نه تعریف شده است و نه عملی خواهد بود (چپرا، ۱۳۸۵ ، ص۴۷).

معارف قرآن کریم به ویژه در بخش اصول دین در سه حیطه با توسعه و عدالت ارتباط دارد: «مالکیت خداوند» در اصل توحید، «تعادل هدایت شونده» در اصول نبوت و امامت و «وجه اجتماعی عدالت خداوند» در اصل عدل، زوایای این ارتباط است (جهانیان، ۱۳۸۶ ، ص۱۶۴). این سه حیطه مفهوم خلافت و جانشینی مسئولانه را پدید آورده‌اند که نتایجی را در هماهنگی میان توسعه اقتصادی و عدالت به ارمغان می‌آورد.

توضیح بیشتر اینکه در آیه خلافت (بقره/۳۰) بنیاد جامعه‌ای روی زمین پی افکنده می‌شود که دارای سه عنصر: انسان، زمین (طبیعت) و پیوند معنوی است. این پیوند انسان را با طبیعت و با انسان های دیگر (در جایگاه برادر) مرتبط می کند که در تعبیر قرآن «استخلاف» نامیده شده است (صدر، ۱۳۹۹، ص۱۸۴). از آنجا که انسان‌ها و کائنات ملک الهی هستند، هرگونه تصرف در آنها باید با رضایت الهی صورت پذیرد. از این رو قرآن کریم به بهره‌برداری امینانه در مقام خلیفانه تاکید می‌فرماید: «وَأَنْفِقُوا مِمَّا جَعَلَكُمْ مُسْتَخْلَفِينَ فِيهِ» (حدید/۷) «وَ آتُوهُمْ مِنْ مالِ اللهِ الَّذي آتاكُمْ» (نور/۳۳).

قرآن کریم پس از برشماری ثروت‌های طبیعی و نعمت‌های بی‌شمار الهی، به دو نوع انحراف «ظلم» و «ناسپاسی» اشار نموده: «وَ سَخَّرَ لَكُمُ الشَّمْسَ وَ الْقَمَرَ دائِبَيْنِ... إِنَّ الْإِنْسانَ لَظَلُومٌ كَفَّارٌ» (ابراهیم/۳۳-۳۴). ظلم در رعایت حقوق انسان‌هاست که شهید صدر آن را در معنای توزیع بد و عدم تساوی در دسترسی برای آحاد جامعه تفسیر کرده است. کفران (ناسپاسی) نعمت نیز به معنای کوتاهی جامعه در بهره‌برداری بهینه منابعی است که خداوند به بشر عنایت نموده است. با این تعبیر، توقف از ابداع و ابتکار موجب توقف در سیر به سوی پروردگار خلاق مبدع است و این ظلم خود جامعه می‌باشد (صدر، ۱۳۷۵، ص۶۴۰).

www.SID.ir

Archive of SID

از این رو تصرف در نعمت‌ها نباید متعارض با خلافت عمومی جامعه و حقوقش باشد و تلاش و استعداد جامعه باید در بهره‌برداری از طبیعت و آباد کردن زمین و توسعه نعمت‌ها به شکل بهینه صرف شود (صدر، ۱۳۹۹، صص۱۵-۲۰). این مسئولیت جامعه در ادبیات اقتصادی، کارایی (Efficiency) نامیده می‌شود. نتیجه این تلاش اقتصادی کلان، توسعه اقتصادی و افزایش درآمد سرانه خواهد بود. البته مبنای قرآن در کارایی، ادای حقوق منابع و اموال (حقوق مدار) است؛ اما اقتصاد متعارف، رسیدن به نقطه بهینه (نتیجه مدار) است (خاندوزی، ۱۳۹۰، ص۳۳۲).

در سطح خرد، افراد جامعه، جانشین خدا در ثروت می‌شوند و تصرفات آن‌ها در صورت عدم تعارض با مالکیت عمومی و خصوصی نافذ است؛ زیرا افراد در برابر خدا و جامعه مسئول‌اند و براساس دو اصل «لاضرر و لاضرار» و «اداء الامانات» به نگهداری و رشد اموال ملزم هستند (صدر، ۱۳۹۹، صص۱۵-۲۰).

اعتقاد به معاد نیز تمام این مفهوم‌ها به منصه ظهور می‌رساند؛ زیرا این باور در انسان احساس مسئولیت پدید می‌آورد و انسان خود را در محضر پروردگاری شنوا، بینا و حساب‌گر می‌بیند که بر ظلم‌ها کیفر و بر نیکی‌ها و رفتار عادلانه پاداش می‌دهد (جهانیان، ۱۳۸۶، ص۱۶۴). قرآن کریم در موارد متعددی در آیات اقتصادی و آیات مرتبط، به عدل، مسئله معاد یا توحید اشاره می‌کند (مدثر/۱۲؛ لیل/۱۱-۱۳؛ فجر/۲۰؛ معارج/۲۴-۲۶).

٤-۳. اثرگذاری بر جریان تولید و مصرف

تمامی فرآیندها و فعالیت‌ها در توسعه عدالت محور، مبتنی بر شاخصه‌های عادلانه است. این فرآیندها براساس تامین حقوق و رفع نیازها به شکل پویا و چرخشی در تولید تعریف شده‌اند. از سوی دیگر، رفتارهای متعادل انسان برای توسعه مستلزم رفع نیازهای وی در سطح عمومی جامعه و در نتیجه، تنظیم الگوی مصرف براساس امکانات، ضرورت‌ها و نیازها است. بنابراین تنظیم الگوی عادلانه متضمن توسعه و تکامل فرآیند مجدد تولید خواهد بود (زریبافان، ۱۳۸۷).

توضیح بیشتر آن‌که در فرآیند توسعه عدالت محور، تولید برای مصرف و رفع نیاز است و مصرف هم برای تولید بیشتر و بهتر و برای رفع نیازهای والاتر است؛ یعنی انسان مصرف می‌کند تا بتواند تولید و تکامل داشته باشد. نه تولید برای تولید است و نه مصرف برای مصرف؛ بلکه هر دو برای تکامل و تعالی انسان طراحی شده‌اند.

از این رو در تولید، کالاهای غیرضروری و مترفانه تولید نمی‌شود و در مصرف هم به سمت طمع‌ورزی، پرمصرفی و استثمار نمی‌رود. قرآن کریم علاوه بر نقش حقوق اموال و فسق مترفان: «أَمَرْنا مُتْرَفیها فَفَسَقُوا فیها» (اسراء/۱۶)، اتراف را زمینه ظلم بر دیگران و محروم کردن دیگران در حد مصرف استحقاق‌شان برمی‌شمرد: «وَ کَمْ قَصَمْنا مِنْ قَرْیَةٍ کانَتْ ظالِمَةً ... وَ ارْجِعُوا إِلی ما أُتْرِفْتُمْ فیهِ» (انبیاء/۱۱-۱۴). بنابراین تمام مصرف کنندگان به‌ویژه اغنیا باید مراعات استفاده بهینه را در مصرف داشته باشند. مصرف از حداقل‌ها آغاز شده و تا سطوح عالی‌تر رشد و تکامل انسانی افزون می‌گردد.

www.SID.ir

Archive of SID

٤-٤. محور بهره‌وری در منابع

همان‌طور که گذشت، در عدالت اسلامی نحوه مواجهه انسان با تمامی منابع بالقوه که به ما امکان و فرصت بهره‌گیری می‌دهند، مطرح می‌شود. عدالت در اموال اقتضای اتخاذ بهترین روش استفاده از اموال و ثروت‌هاست که خداوند ابزار قوام در جامعه و اقتصاد قرار داده: «أَمْوالَكُمُ الَّتي جَعَلَ اللَّهُ لَكُمْ قِياماً» «نساء/۵) و تنها استفاده عادلانه از آنها به قوام و قوت جامعه منجر می‌شود: «لَمْ يُسْرِفُوا وَ لَمْ يَقْتُرُوا وَ كانَ بَيْنَ ذلِكَ قَواماً» (فرقان/۶۷). بنابراین هر نوع بهره‌برداری که موجب آسیب‌پذیری جامعه شود، خلاف عدالت است.

این دیدگاه از سه منظر بر توسعه اثرگذار است؛ نخست اینکه قرآن کریم بر بهره‌برداری چند بُعدی و کارکردهای متفرقه منابع تاکید دارد: «وَ هُوَ الَّذي سَخَّرَ الْبَحْرَ لِتَأْكُلُوا مِنْهُ لَحْماً طَرِيًّا وَ تَسْتَخْرِجُوا مِنْهُ حِلْيَةً تَلْبَسُونَها وَ تَرَى الْفُلْكَ مَواخِرَ فيهِ وَ لِتَبْتَغُوا مِنْ فَضْلِهِ» (نحل/۱۴). در نامه امیرالمؤمنین (ع) به مالک‌اشتر، ایشان سفارش می‌کند که بیشتر همت خود را به آبادانی زمین‌های کشاورز و راهکارهای بهینه تولید محصولات کشاورزی معطوف کند (نهج البلاغه، نامه ۵۳). طبیعتاً استفاده بهینه از منابع طبیعی و انسانی، پیامد قطعی در شکوفایی و توسعه اقتصادی دارد.

دوم اینکه لحاظ کرد سهم همگانی در منابع طبیعی و عدالت در دسترس به منابع: «وَ سَخَّرَ لَكُمْ ما فِي السَّماواتِ وَ ما فِي الْأَرْضِ جَميعاً مِنْهُ» (جاثیه/۱۳)، به شکلی که سهم نسل‌های آتی باقی بماند و موجب از دست دادن منابع طبیعی نشود، از عومل شکل‌گیری توسعه پایدار است.

سوم اینکه پیامد برخی احکام مربوط به توزیع مجدد و تحریم کنز (توبه/۳۴) که عدالت در دسترسی به منابع را افزایش می‌دهد، باعث عدم راکد شدن اموال و ابزار مبادله و در نتیجه افزایش سرمایه‌های در گردش و رونق بازار مالی می‌گردد که این مسئله نیز به‌نوبه خود از عوامل رشد و توسعه است.

٤-٥. محور توسعه انسانی

همان‌طور که در تعریف «تودارو» از توسعه گذشت، توسعه جریانی چند بعدی است که مستلزم تغییرات اساسی و ساخت اجتماعی، طرز تلقی عامه مردم و نهادهای ملی و البته تسریع رشد اقتصادی است که کاهش نابرابری و ریشه‌کنی فقر مطلق را در پی دارد. همچنین گذشت که سیر تحول توسعه در مفهوم امروزی، به ایستگاه توسعه انسانی رسیده است.

از سوی دیگر یکی از جنبه‌های عدالت، رعایت حقوق انسان‌هاست. تعلیم و تربیت به فرمایش امیرالمؤمنین (ع) یکی از حقوق مردم است (خطبه /۳۴) که البته بر عهده حکومت است. این تعلیم و تربیت بدین معناست که هر فرد، به فراخور استعداد و توانایی خود، تربیت شود تا توانایی‌هایش شکوفا شوند.

از این رو می‌توان گفت که دست‌یابی به توسعه و عدالت در جامعه، به انسان‌های اقتصادی دارای بینش‌های اجتماعی فرهنگی متناسب نیاز دارد تا با بهره‌وری اقتصادی، زمینه رشد و توسعه اقتصاد

www.SID.ir

Archive of SID

را ایجاد کنند. توسعه انسانی در تمامی بخش‌های اقتصاد، سبب افزایش کارآیی و بهره وری بهینه از عوامل تولید می گردد؛ بنابراین اگر به توسعه با دید اجتماعی فرهنگی توجه نماییم، می‌توان گفت که توسعه‌یافتگی همان راهیابی به سوی عدالت اجتماعی است (لنگرودی، ۱۳۸۰، صص۲۸۴-۲۹۱).

٤-٦. محور معاملات

قرآن کریم به موضوع عدالت در قراردادها اهمیت می دهد و روابط ناعادلانه همچون ربا و اکل به باطل را مصداق ظلم می شمارد (نساء/۱۶۰-۱۶۱). نهی قرآن از روابط مالی باطل: «لا تَأْكُلُوا أَمْوالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْباطِلِ» (نساء/۲۹) گستره وسیعی از مبادلات همچون قمار، ربا، رشوه و معاملات صوری را شامل می‌شود که مابه‌ازاء واقعی در اقتصاد ندارد. این مسئله موجب جریان پول به شریان‌های اصلی اقتصاد و بازدهی و تولید بالاتر می گردد.

در منطق قرآن، رشد و توسعه ناشی از مبادلات ظالمانه، نفع حقیقی و پایدار جامعه را درپی ندارد. قاعده جهان اساساً بر محو آثار معاملات ظالمانه و تکثر آثار روابط عادلانه است: «يَمْحَقُ اللَّهُ الرِّبا وَ يُرْبِي الصَّدَقاتِ» (بقره/۲۷۶). از این‌رو روابط مالی عادلانه رشد و توسعه اقتصادی را در پی دارد.

٤-٧. اعتماد اقتصادی

قرآن کریم تأکید زیادی به پایبندی بر معاملات و قراردادها دارد: «يا أَيُّهَا الَّذينَ آمَنُوا أَوْفُوا بِالْعُقُودِ» (مائده/۱)؛ زیرا اگر تضمین حقوق طرفین مبادله به صورت مطلوب صورت نگیرد، شالوده روابط اقتصادی، مستحکم نخواهد بود و این مسئله موجب ابهام در آینده تصمیمات اقتصاد، افول انگیزه فعالان اقتصادی و بالا رفتن هزینه فعالیت اقتصادی خواهد شد.

قرآن کریم به موضوع عدالت در رویه‌ها و قراردادها اهمیت می‌دهد؛ طولانی‌ترین آیه قرآن درباره کتابت قرارداد اقتصادی و رعایت شئون عادلانه آن است: «وَ لْيَكْتُبْ بَيْنَكُمْ كاتِبٌ بِالْعَدْلِ» (بقره/۲۸۲). بی‌عدالتی در مبادلات علاوه بر ظلم (نقض حقوق سایر انسان‌ها) به فساد (تباه کردن سرمایه‌ها) می‌انجامد و این مسئله به فرایند توسعه لطمه وارد می‌سازد.

از سوی دیگر مراعات عدالت در معاملات، موجب افزایش اعتماد بین فعالان اقتصادی می‌شود. «فوکویاما» که اعتماد را بر مبنای سرمایه اجتماعی و در عرصه اقتصادی مطرح می‌سازد، ثابت می کند همکاری و اعتماد در بین اعضای یک تشکیلات اقتصادی، به میزان زیادی می‌تواند هزینه‌ها را کاهش داده و کارایی و موفقیت آن را افزایش دهد (فوکویاما، ۱۳۷۹، ص۱۴). همبستگی اقتصادی که زاییده همکاری توأم با اعتماد انسانی است، می‌تواند بستری برای توسعه اقتصادی و افزایش بهره‌وری باشد.

٤-٨ . امنیت

امنیت در مفهوم عینی آن، اندازه‌گیری فقدان تهدید علیه ارزش‌هاست و در مفهوم ذهنی آن، به معنای فقدان احساس ترس از اینکه چنین ارزش‌هایی مورد حمله قرار خواهد گرفت است (فتحی و

www.SID.ir

Archive of SID

همکاران، ۱۳۹۳، صص ۹۰-۹۲). امنیت باعث ایجاد بستر و محیطی می‌شود که جریان رشد و کمال انسان را میسر سازد؛ زیرا افراد و ارکان جامعه در محیطی امن و بدون دغدغه خاطر و عوامل مزاحم می‌توانند اهداف جامعه را تحقق بخشند.

امنیت در منطق قرآن، رهاورد «ارزش‌های اخلاقی مؤمنانه» و «رفع ظلم» در رابطه با خدا (شرک) و مناسبات اجتماعی و اقتصادی است: «الَّذینَ آمَنُوا وَ لَمْ یَلْبِسُوا إیمانَهُمْ بِظُلْمٍ أُولئِکَ لَهُمُ الْأَمْنُ وَ هُمْ مُهْتَدُونَ» (انعام/۸۲). بنابراین با افزایش عدالت، شاخص‌های امنیت رشد می‌یابد و بستر و انگیزه‌های لازم برای سرمایه‌گذاری و فعالیت‌های اقتصاد و درنتیجه توسعه اقتصادی مهیا می‌شود. از این رو امنیت یکی از حلقه‌های واسط میان توسعه و عدالت است که باید متناسب با هم پیش بروند.

٤-٩. بازدهی مضاعف عدالت

عدالت اقتصادی در عرصه بازتوزیع، شامل مواردی از جمله ارث، انفاق، زکات، خمس و صدقه می‌شود. قرآن کریم عدالت بازتوزیعی و تلاش برای رفع فقر در جامعه را عامل جذب منافع برای جامعه برمی‌شمرد: «إِنْ تُقْرِضُوا اللَّهَ قَرْضاً حَسَناً یُضاعِفْهُ لَکُمْ» (تغابن/۱۷)، «وَ ما آتَیْتُمْ مِنْ زَکاةٍ تُریدُونَ وَجْهَ اللَّهِ فَأُولئِکَ هُمُ الْمُضْعِفُونَ» (روم/۳۹). هیچ قرینه‌ای وجود ندارد که وعده تضاعف در این آیات و روایات مؤید آن، منحصر به آخرت باشد. بنابراین از منظر قرآن، چرخش ثروت‌های بیکار در قالب «قرض حسن» تأثیر مثبتی در رفاه و رونق اجتماعی دارد (رک. سبا/۳۹؛ بقره/۲۴۵؛ حدید/۱۱). از سوی دیگر ظلم به حقوق دیگران منجر به زوال نعمت می‌گردد. قرآن کریم داستان صاحبان باغ‌هایی را روایت می‌کند که شبانه برای چیدن محصول رفتند تا مسکینان هیچ سهمی نبرند: «أَنْ لا یَدْخُلَنَّها الْیَوْمَ عَلَیْکُمْ مِسْکینٌ» (قلم/۲۴)، اما با باغ‌های سوخته مواجه شدند. آنها اذعان می‌کنند که دنبال ظلم بودند و قصد داشتند حقوق مساکین را نپردازند: «قالُوا سُبْحانَ رَبِّنا إِنَّا کُنَّا ظالِمینَ» (قلم/۲۹).

همان‌طور که گذشت، تعریف شکر در روایات آن را به منزله یکی از شعبه‌های عدالت قرار داده است؛ عدالت در منابع غیرانسانی یا به تعبیر قرآن مواجهه شاکرانه با نعمت‌ها، منابع و فرصت‌ها، موجب افزایش برخورداری و شکوفایی اقتصاد می‌شود. در قرآن کریم رشد مستمر (ابراهیم/۲۴) و بازدهی مضاعف (بقره/۲۶۱) برونداد سیستم عادلانه ذکر شده است.

به عنوان نمونه، قرآن کریم نعمت‌ها و رزق فراوان قوم سبأ و «بلده طیبه» آنان را یاد می‌کند (سبا/۱۵) که افراد جامعه این نعمت‌های الهی را کفران کردند و در حق منابع الهی ناسپاسی ورزیدند: «ذلِکَ جَزَیْناهُمْ بِما کَفَرُوا وَ هَلْ نُجازي إِلاَّ الْکَفُورَ» (سبا/۱۷) و به عذاب الهی گرفتار شدند. همچنین در سوره نحل جامعه‌ای با دو وصف امنیت «آمِنَةً مُطْمَئِنَّةً» و گشایش اقتصادی «یَأْتیها رِزْقُها رَغَداً مِنْ کُلِّ مَکانٍ» ذکر می‌کند که نعمت‌های الهی را کفران کردند و خداوند نعمت‌های خود را از آنان ستاند (نحل/۱۱۲).

٤-١٠. اثر منفی رشد اقتصادی بر عدالت

رشد و توسعه اقتصادی می‌تواند تأثیر منفی بر عدالت داشته باشد. زیرا قرآن کریم تنها شاخص

www.SID.ir

Archive of SID

فراوانی و رشد اقتصادی را معیار برای وضع مطلوب نمی‌داند (روم/۳۹؛ زخرف/۳۲-۳۳). بنابراین برخلاف نظر اقتصاد نئوکلاسیک، رشد و توسعه اقتصادی ممکن است عامل انحراف جامعه از عدالت و سقوط شود (توبه/۸۵؛ نحل/۵۵؛ عنکبوت/۶۶؛ روم/۳۴) و از دست دادن کوتاه‌مدت برخی منابع مادی، موجب تدبیر بهینه جامعه گردد (اعراف/۹۴).

این مسئله به خاطر تأثیرپذیری سطح اخلاقی و روابط انسانی جامعه از شرایط اقتصادی و رفاهی است؛ برای مثال رابطه میان استغناء و طغیان (علق/۷-۶)، اتراف مالی و کفر: «الَّذِینَ کَفَرُوا وَ کَذَّبُوا بِلِقاءِ الْآخِرَةِ وَ أَتْرَفْناهُمْ فِي الْحَیاةِ الدُّنْیا» (مؤمنون/۳۳) نمونه‌هایی هستند که اثرپذیری ارزش‌های هنجاری جامعه را از اخلاق نشان می‌دهد.

«مترفین» در قرآن به کسانی اشاره دارد که مست و مغرور نعمت‌ها شده و طغیان کرده‌اند. این افراد تلاش می‌کنند تا با انواع حیل، مستضعفین را فریب دهند و از آنان بهره‌کشی کنند، و در نتیجه حقوق افراد جامعه را تضییع سازند. از این رو، از منظر قرآنی افزایش ثروت و توسعه اقتصادی تنها در صورتی که همراه با رشد ایمانی و اخلاقی باشد، در عدالت و وضعیت بهینه جامعه اثر مثبت می‌گذارد (سبأ/۳۷).

۵. نتیجه‌گیری

در قرآن کریم تمام اصول، اهداف و آرمان‌ها بر محور عدالت استوار شده است. از سوی دیگر عدالت مقوله‌ای مجرد از دیگر مقولات نیست، بلکه در مفهوم و مصداق و اجرا به مقولات دیگر پیوند دارد؛ پیوندی درهم‌تنیده که بدون لحاظ آنها، معنای درست عدالت درک نمی‌شود. عدالت اقتصادی در قرآن با مفاهیمی همچون قسط، ظلم، حق، ایمان، علم، صدق، تقوی، کفر، شکر و رزق ارتباط دارد.

محوری‌ترین پیوند عدالت با حق است و تمامی کاربردهای عدالت در متون اسلامی، بر معنای وضع حقوق بایسته یا اعطای حق به ذی‌حق قابل حمل است. از این رو عدالت در تعامل با انسان‌ها در دو عرصه توزیع (معامله صحیح) و بازتوزیع (خمس، زکات، انفاق، ...) نمود دارد و در مقابل ظلم قرار می‌گیرد. همچنین نحوه مواجهه انسان با تمامی منابع غیرانسانی بالقوه همچون منابع طبیعی، اموال، استعدادها، فرصت‌ها و ... در دو عرصه تولید و مصرف، در محدوده عدالت قرار می‌گیرد که بهره‌برداری بهینه به معنای شکر و مواجهه ناصحیح با آنها با عنوان ناسپاسی (کفر) در قرآن بیان شده است.

همچنین روشن شد که توسعه در قرآن با مضامینی چون رشد، ایمان، تقوی، عمل صالح، تزکیه، توکل، شکر، استعمار زمین مطرح می‌شود. پیوند محوری آن با رشد، حق مدار است که باید در چهار منظر خدا، خود، سایر انسان‌ها و طبیعت، نسبت خود را اصلاح کند. بنابراین ازمنظر قرآن توسعه اقتصادی در نگهداری و بهره‌برداری بهینه از تمامی امکانات و منابع انسانی و غیرانسانی در مسیر استخلاف الهی تعریف می شود.

www.SID.ir

Archive of SID

مشاهده می‌شود که مفهوم توسعه، انطباق شدیدی بر مضامین و مصادیق عدالت دارد و در واقع، می‌توان گفت که توسعه‌یافتگی همان راهیابی به‌سوی عدالت اجتماعی است و هر دو در الگوی رفتاری خلیفه الهی به هماهنگی و وحدت می‌رسند. عدالت و توسعه در محورهای مختلفی با یکدیگر اشتراک دارند؛ هر دو هدف نهایی اقتصاد اسلامی و زمینه‌ساز یکدیگر هستند و بدون هم کارایی ندارند. در واقع اقتضای عدالت اقتصادی، اتخاذ بهترین روش بهره‌برداری از منابع و فرصت‌هاست که پیامد قطعی آن، شکوفایی و توسعه اقتصادی است.

همچنین عدالت اقتصادی و توسعه، در محورهای بهره‌وری از منابع و فرصت‌ها، توسعه انسانی، جریان تولید و مصرف، عرصه معاملات و بازتوزیع دارای اشتراک هستند. به‌علاوه اجرای عدالت اقتصادی موجب افزایش امنیت و اعتماد اقتصادی، بازدهی مضاعف و در نتیجه توسعه اقتصادی می‌شود. البته رشد اقتصادی بدون معنویت از منظر قرآن اثر منفی بر تحقق عدالت در جامعه دارد.

منابع

آمدی، عبدالواحد بن محمد (۱۳۸۹ش)، قم، دارالکتاب الاسلامی.

ابن منظور، محمدبن مکرم (۱۴۰۵ق)، لسان العرب، قم، انتشارات أدب الحوزه.

اخوان کاظمی، بهرام (۱۳۸۶ش)، عدالت در اندیشه‌های سیاسی اسلام، قم، بوستان کتاب، چ دوم.

ازکیا، مصطفی (۱۳۸۱ش)، جامعه‌شناسی توسعه، انتشارات کلمه، تهران.

برادران حقیر، مریم؛ دیالمه، نیکو (۱۳۸۹ش)، «مفهوم رشد و توسعه انسانی در دیدگاه اسلام و غرب»، پژوهش‌های علم و دین، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال اول، شماره دوم، پاییز و زمستان.

پورمولا، سیدمحمدهاشم؛ غلامی، مرجان؛ بن زاده، راضیه (۱۳۹۴ش)؛ «معناشناسی واژه عدل در قرآن کریم بر مبنای روش ایزوتسو»، پژوهش‌های قرآن و حدیث، دوره ۴۸، بهار و تابستان.

پیغامی، عادل (۱۳۸۹ش)، «گستره موضوع‌شناختی در پژوهش‌های ناظر بر مباحث عدالت و توسعه»، مطالعات اقتصاد اسلامی، شماره۲، بهار و تابستان.

تودارو، مایکل (۱۳۷۹ش)، توسعه اقتصادی در جهان سوم، ترجمه فرجادی، غلامعلی، تهران: برنامه و بودجه.

ابوجعفری، روح الله (۱۳۸۹ش)، «جایگاه عدالت در رویکرد سیستمی»، نخستین نشست اندیشه‌های راهبردی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت.

جرداق، جرج (۱۴۱۷ق)، روائع فی نهج البلاغه، مرکز الغدیر للدراسات الاسلامیه، چاپ ۲.

جهانیان، ناصر (۱۳۸۶ش)، «بنیادهای توسعه اقتصادی عادلانه در اسلام»، اقتصاد اسلامی، دوره ۷، شماره ۲۵.

جیروند، عبدالله (۱۳۶۸ش)، توسعه اقتصادی (مجموعه عقاید)، چاپ سوم، تهران: انتشارات مولوی.

خان محمدی، کریم (۱۳۸۸ش)، «مفهوم‌شناسی توسعه و موانع آن از نگاه قرآن مجید»، الاهیات اجتماعی، ش ۱.

خلیلی تیرتاشی، نصرالله (۱۳۸۰ش)، «توسعه انسانی از دیدگاه اسلام»، معرفت، شماره ۴۹، ص ۱۰۷-۱۱۷.

چپرا م.ع.، (۱۳۸۳ش)، «اسلام و توسعه اقتصادی»، مترجم: نظرپور، محمدتقی؛ علوی، سیداسحاق؛ دانشگاه

www.SID.ir

Archive of SID

مفید.
درخشان، مسعود (۱۳۸۹ش)، «ملاحظاتی در الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت»، نخستین نشست اندیشه‌های راهبردی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت.
راغب اصفهانی، حسین بن محمد، (۱۴۰۴ش)، «المفردات فی غریب القرآن»، تهران: دفتر نشر کتاب.
رالز، جان (۱۳۸۳ش)، عدالت به مثابه انصاف، ترجمه عرفان ثابتی، تهران، ققنوس.
زریبافان، سیدمهدی(۱۳۸۶ش)، «نظری بر اندیشه توسعه عدالت محور»، پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی، ش ۴۱ و ۴۲.
همو؛ جدید زاده، علی(۱۳۸۷ش)، «دورنمای نظام عادلانه اقتصادی از منظر اسلام». مجموعه مقالات توسعه مبتنی بر عدالت، تهران، مرکز تحقیقات دانشگاه امام صادق(ع).
دلالی اصفهانی، رحیم، بخشی دستجردی، رسول (۱۳۸۹ش)، «الزاماتی برای طراحی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت از منظر دانش اقتصاد»، کتاب نخستین نشست اندیشه‌های راهبردی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت.
سلیمانی، محمد، «تأملی بر نسبت پیشرفت با توسعه و عدالت»، منتشر شده به تاریخ ۱۳۸۸/۱۱/۳ در پایگاه: http://farsi.khamenei.ir/others-article?id=۹۵۷۶
صدر، سیدمحمد باقر(۱۳۵۷ش)، اقتصاد ما، ج ۲، ترجمه ع. اسپهبدی، تهران، انتشارات اسلامی.
همو (۱۳۵۰ش)، اقتصاد ما، ج ۱، ترجمه محمد کاظم موسوی بجنوردی، تهران، انتشارات برهان.
همو(۱۳۸۲ش)، اقتصادنا، ج دوم، قم، موسسه بوستان کتاب.
همو (۱۳۹۹ق)، صوره عن اقتصاد المجتمع الاسلامی، قم، انتشارات خیام.
همو (۱۴۰۱ق)، المدرسه الاسلامیه، تهران، مکتبه اعتماد الکاظمی.
فتحی، آیت اله؛ تقی زاده، تهمینه؛ پورباغبان، سجاد (۱۳۹۳ش)، «نقش آسیب‌های اجتماعی در سرمایه گذاری اقتصادی»، فصلنامه دانش انتظامی آذربایجان شرقی، سال سوم، شماره اول.
فوکویاما، فرانسیس، (۱۳۷۹ش)، پایان نظم، سرمایه اجتماعی و حفظ آن، ترجمه توسلی، غلامعباس، جامعه ایرانیان.
فیض کاشانی (۱۴۱۶ ق)، محسن، التفسیر الصافی، قم، موسسه الهادی.
قره‌باغیان، مرتضی (۱۳۷۰ش)، اقتصاد رشد و توسعه، جلد اول، چاپ اول، تهران، نشرنی.
قطب، سیدمحمد (۱۳۵۲ش)؛ عدالت اجتماعی در اسلام، ترجمه خسروشاهی و گرامی، تهران، شرکت سهامی انتشار.
کلینی، محمدبن یعقوب (۱۳۶۵ش)، الکافی؛ چاپ چهارم، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
طباطبایی، محمدحسین (۱۳۸۲ش)، تفسیر المیزان، ترجمه موسوی همدانی، سیدمحمدباقر، قم، انتشارات اسلامی.
حکیمی، محمدرضا و دیگران (۱۳۶۷ش)، الحیاه، جلد ۳-۶، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
خاندوزی، سیداحسان (۱۳۹۰ش)، مدینه عادله، تهران، دانشگاه امام صادق(ع)، چاپ اول.

www.SID.ir

Archive of SID

مجلسی، محمدتقی، بحارالانوار الجامعه لدرر اخبار الائمه الاطهار (۱۳۶۸ش)، تهران، اسلامیه.
مرعشی، سیدجعفر، (۱۳۷۷ش)، توسعه اجتماعی (درآمدی بر مدیریت توسعه اجتماعی)، سازمان مدیریت صنعتی.
مکارم شیرازی (۱۳۷۴ش)، ناصر، تفسیر نمونه، دارالکتب الاسلامیه، تهران.
مصباح یزدی، محمدتقی(۱۳۷۴ش)، آموزش عقائد، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی.
مصطفوی، سیدحسن (۱۳۶۸ش). التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
مطهری، مرتضی (۱۳۸۵ش)، مجموعه آثار استاد مطهری، تهران، انتشارات صدرا.
مطیعی لنگرودی، سیدحسن (۱۳۸۰ش)، «راهبردهایی در ارتباط با تحقق عدالت اجتماعی و توسعه پایدار»، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران، ش ۱۵۷.
ملایری، موسی (۱۳۸۷ش)، «علوم اسلامی، قرآن و توسعه»، پژوهش دینی، شماره شانزدهم.
منصور نژاد، محمد (۱۳۹۲ش)؛ زمانی محجوب، حبیب، «نسبت توسعه و عدالت در سه گفتمان لیبراسیم، سوسیالیسم و اسلام»، پژوهش‌های سیاست اسلامی، دوره ۱، شماره ۱.
موسایی، میثم (۱۳۷۴ش)، دین و فرهنگ توسعه، سازمان تبلیغات اسلامی.
همو (۱۳۷۳ش)، اسلام و فرهنگ توسعه اقتصادی، تحقیقات اقتصادی، شماره ۴۹.
موحد، محمدعلی (۱۳۸۱ش)، در هوای حق و عدالت، تهران، نشر کارنامه.
مهدوی کنی، جزوه آیات الاحکام، بحث قاعده عدل، تحقیق عطاء الله رستگار.
تقوی، نواب حیدر؛ توانایان فرد، حسن (۱۳۷۸ش)، اقتصاد توسعه یک الگوی جدید، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه.
نظری، حسن (۱۳۸۲ش)، «عدالت اقتصادی از نظر هایک و اسلام»، فصلنامه نامه مفید، شماره ۳۵.
همو (۱۳۹۴ش)، «تربیت نیروی انسانی و رویکرد به عدالت و پیشرفت همزمان»، شماره ۷۸ مجله خردنامه همشهری.
هادوی تهرانی، مهدی (۱۳۷۸ش)، مکتب و نظام اقتصادی اسلام، چ اول، قم، موسسه فرهنگی خانه خرد.
یاسپرس، کارل (۱۳۶۲ش)، آغاز و انجام تاریخ ترجمه محمود لطفی، انتشارات خوارزمی.
Alston, phiip (2005), "Ships Passing in the Night: The current State of thd Human Rights and Development Debate Seen through the Lens of the Millennium Development Goals" Human Rights Quarterly, vol 27.
Kolm, Serge-Christophe (1998). Modern theories of justice.MIT press.
Rawls, J., & Freeman, S. (2002). Lectures on the history of political philosophy. Harvard University press.
Thorbeke, Erik (2007), The Evolution of the Development Doctrine, 1950-2005, Advancing Development, ed. George Mavrotas and Anthony Shorrocks (Houndmills: Palgrave).

www.SID.ir